

پرسش ۸۴۱: پرسش‌هایی در خصوص صاحب دعوت حق

السؤال / ۸۴۱: السلام على الإمام ابن الحسن ورحمة الله وبركاته لقد آمن بكم نتيجة تبين البرهان والدليل على ما طرحتموه من أدلة تبين انكم اهل الحق والصراط القويم وبعدهما اقتنعنا بكم أردنا ان نبصّر الناس على الحقيقة والحق ونرشدكم للتمسك ببيعتمكم طرحوا علينا بعض الاسئلة وأوردناها اليكم لنرى الرد ونرد على المشككين بكم الاسئلة هي: لوانه ابن الامام المهدي او اليماني كما تدعون لماذا يرى بالرؤية انه طلب منه الامام الذهاب الى النجف لماذا لم يطلب منه مباشرة الا يراه؟ وطالما هو ابن الامام فليدرسه الامام يدرس في مدارس الناس العاديين او الاكاديمية؟ وما الدليل الذي جاء به على انه ابن الامام المهدي؟ طالما ارسله والده كما تدعون الا يجب ان يبعث معه ما يدل على انه مرسل منه معجزة اي شي مثلا؟ ونحن نعرف ان السفراء الاربعة هم اخر من التقى الامام من اين اتى هذا؟

علي حسين - لبنان

سلام بر امام، فرزند حسن و رحمت خداوند و برکاتش. در نتیجه‌ی روشن بودن برهان و دلیلی که مطرح کردید، به شما ایمان آوردم؛ دلایلی که روشن می‌کند شما اهل حق و راه استوار هستید. پس از اینکه قانع شدیم، خواستیم حقیقت و حق را به مردم بشناسانیم و آنها را به تمسک جستن به بیعت با شما راهنمایی کنیم. برخی از پرسش‌ها را برای ما مطرح کردند و آنها را برایتان فرستادیم تا پاسخ را بدانیم و به شک‌کنندگان به شما پاسخ دهیم. پرسش‌ها: اگر همان‌طور که ادعا می‌کنید ایشان فرزند امام مهدی یا یمانی است، چرا در رؤیا دیده است که امام از او درخواست رفتن به نجف را کرده است؟ چرا به طور مستقیم از او درخواست دیدار نکرده است؟ از آنجا که ایشان فرزند امام است، امام به او آموزش می‌دهد؛ پس چرا در مدارس مردم عادی یا آکادمیک آموزش دیده است؟ دلیلی که ایشان به عنوان فرزند مهدی بودن آورده است، چیست؟ اگر همان‌طور که ادعا می‌کنید پدرش او را فرستاده است، آیا لازم نیست چیزی به

همراهش ارسال کند تا دلیل فرستاده بودنش از سوی ایشان باشد؟ هر چیزی، مثلاً معجزه‌ای؟ در حالی که ما می‌دانیم سفرای چهارگانه، آخرین کسانی بودند که با امام دیدار کردند؛ این مورد چگونه قابل پذیرش می‌باشد؟

علی حسین - لبنان

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

و عليكم السلام ورحمة الله وبركاته... ثبتكم الله وإيانا أخي على الحق ووفقكم وإيانا للدعوة له ونصرته

و عليكم السلام ورحمت الله وبركاته.... برادرم، خداوند شما و ما را بر حق، ثابت قدم بدارد، و شما و ما را در دعوت به حق و یاری آن، موفق بدارد.

أما إجابة سؤال: لماذا يرى بالرويا أنه طلب منه الإمام (عليه السلام) الذهاب إلى النجف ولماذا لم يطلب منه مباشرة؟؟ فهل الطلب بالرويا ليس طلبا مباشرا؟؟

اما پاسخ به پرسش: چرا در رؤیا دیده که امام از او درخواست رفتن به نجف را کرده است؟ چرا به طور مستقیم از او درخواست دیدار نکرده است؟ آیا درخواست در رؤیا، درخواست مستقیم نیست؟

وَهَل يَعْلَمُونَ أَنَّ عَالِمَ الرَّؤْيَا هُوَ عَالِمُ الْمَلَكُوتِ وَهُوَ عَالِمُ الطَّاعَةِ وَالطَّلَبِ فِي ذَاكَ الْعَالَمِ هُوَ دَلِيلٌ عَلَى عِلْمِ الْمَطْلُوبِ مِنْهُ وَإِيمَانُهُ بِعَالَمِ الْغَيْبِ وَهَذَا سِرٌّ تَمِيْزُهُ عَنِ بَاقِي الْعِبَادِ، وَلَوْ كَانَ الطَّلَبُ هُنَا فِي هَذَا الْعَالَمِ مُمْكِنًا وَلَكِنْ لَا يَكْشِفُ عَنْ عَظِيمِ مَقَامِ الْإِمَامِ أَحْمَدِ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

آیا می دانند که عالم رؤیا همان عالم ملکوت، یعنی عالم اطاعت است، و درخواست در آن عالم، خود دلیلی بر علم شخص مامور، و ایمان داشتن ایشان به عالم غیب می باشد و همین راز متفاوت بودن ایشان از باقی بندگان است. هر چند درخواست در این عالم امکان پذیر است، ولی چنین درخواستی، از عظمت مقام امام احمدالحسن (ع) پرده بر نمی دارد.

فَطَلَبُ الْإِمَامِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي هَذَا الْعَالَمِ لَيْسَ فِيهِ امْتِحَانٌ وَلَيْسَ فِيهِ بَيَانٌ لِمَقَامِ الْمَأْمُورِ وَعَظِيمِ إِيمَانِهِ بِالْغَيْبِ وَأَيَّاتِهِ، وَلِذَلِكَ الطَّلَبُ مِنْهُ بِالرَّؤْيَا حُجَّةٌ لِلْإِمَامِ أَحْمَدِ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَلَيْسَ مَغْمَزًا يَشْكُكُ بِهِ لِأَنَّهُ يَكْشِفُ عَنْ إِخْلَاصِهِ وَتَوْفِيقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لَهُ

در درخواست امام (ع) در این دنیا، امتحانی در وجود ندارد و در آن، بیان جایگاه کسی که به او دستور داده شده، و بزرگی ایمان او به غیب و نشانه هایش، وجود ندارد. از همین رو، درخواست از ایشان به وسیله ی رؤیا، دلیلی برای امام احمدالحسن (ع) می باشد، نه نکته ی منفی که باعث شک و تردید گردد؛ چرا که از اخلاص ایشان و توفیق خداوند سبحان به ایشان پرده برمی دارد.

قَالَ تَعَالَى: (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ) [البقرة: 3]. فَاللَّهُ سُبْحَانَهُ سَمَى الْمُؤْمِنِينَ بِالْغَيْبِ أَنَّهُمْ هُمُ الْمُتَّقُونَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ هُوَ أَعْظَمُهُمْ تَصَدِيقًا بِالْغَيْبِ، وَالرَّؤْيَا هِيَ كَلَامُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِالْغَيْبِ فَهَذِهِ مَنْقِبَةٌ لِلْإِمَامِ أَحْمَدِ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نَسَأَلُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ

یوفقنا لها ونكون كما هو إمامنا ممن يصدقون بالغيب ويؤمنون به حق الإيمان.

خداوند متعال می‌فرماید: (آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را به پا می‌دارند، و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند) [البقرة: 3]. خداوند سبحان مؤمنان به غیب را اینگونه نامیده است که پرهیزگار هستند و پیشوای پرهیزگاران، برترین ایشان در تصدیق به غیب می‌باشد، و رؤیا، سخن خداوند سبحان در غیب است. پس این، فضیلتی برای امام احمدالحسن (ع) می‌باشد. از خداوند سبحان درخواست داریم که ما را به آن، توفیق عطا کند و ما را همان طوری که امامان هست، قرار دهد؛ از کسانی که غیب را تصدیق می‌کنند و به آن ایمان حقیقی دارند.

ثم إن كثيراً من الأنبياء كان الوحي يأتيهم في الرؤيا أحياناً كثيرة، فلماذا لا يأتيهم جبرائيل (عليه السلام) مباشرة؟

برای بیشتر پیامبران در بیشتر اوقات، وحی در رؤیا فرستاده می‌شده است. چرا جبرئیل (ع) به طور مستقیم برای ایشان نمی‌آید؟

والأئمة (عليه السلام) ذكروا ان كلامنا في المنام ككلامنا في اليقظة، واليك هذه الرواية المهمة:

ائمه (ع) بیان فرمودند که سخن ما در خواب، همانند سخن ما در بیداری است. به این روایت مهم، دقت کنید:

قرب الاسناد - الحميري القمي ص 348:

قرب الاسناد - حمیری قمی ص ۳۴۸:

1258- معاوية بن حكيم، عن الحسن بن علي ابن بنت إلياس، عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام)، قال: (قال لي ابتداء: "إن أبي كان عندي البارحة". قلت: أبوك؟! قال: "أبي". قلت: أبوك؟! قال: "أبي". قلت: أبوك؟! قال: "في المنام، إن جعفرا كان يجيء إلى أبي فيقول: يا بني افعل كذا، يا بني افعل كذا". قال فدخلت عليه بعد ذلك، فقال لي: "يا حسن، إن منامنا ويقظتنا واحدة").

1258- معاوية بن حكيم از حسن بن علی بن بنت الیاس روایت می کند: امام رضا (ع) بدون هیچ مقدمه‌ای به من فرمود: «پدرم دیشب نزد من بود». عرض کردم: پدرتان؟! فرمود: «پدرم». عرض کردم: پدرتان؟! فرمود: «پدرم». عرض کردم: پدرتان؟! فرمود: «در خواب. جعفر نزد پدرم می آمد و می فرمود: پسر من! اینگونه انجام بده. اینگونه انجام بده». راوی می گوید: پس از آن، بر ایشان وارد شدم و به من فرمود: «ای حسن! خواب و بیداری ما، یکسان است».

أما قضية الدراسة فنعم فالإمام المهدي (عليه السلام) هومن درّس الإمام أحمد الحسن (عليه السلام) العلوم الدينية والالهية

اما مسئله آموزش، بله امام مهدی (ع) کسی است که به امام احمدالحسن (ع) علوم دینی و الهی آموزش داده است

وكان وجوده في الحوزة للاصلاح بما وفقه الله سبحانه لذلك وفعلا كان وجوده بالحوزة هو لبيان الحق وكشف الكثير من الانحرافات سواء على المستوى المنهجي أو على مستوى التعامل الاقتصادي والاجتماعي وهذا يشهد به كل من عاشره من طلبة الحوزة حتى ممن لم يؤمن بدعوته

و وجود ایشان در حوزه، با توجه به توفیقی که خداوند سبحان برای ایشان در این کار، عنایت فرمود، برای اصلاح بوده است. وجود ایشان در حوزه برای بیان حقیقت و

پرده برداشتن از بسیاری از انحرافات بوده است، چه در زمینه‌ی راه و روش یا در سطح برخورد اقتصادی و اجتماعی. این موضوعی است که همه‌ی طلبه‌های حوزه که با ایشان زندگی می‌کرده‌اند، به آن گواهی می‌دهند؛ حتی کسانی که به دعوت ایشان هم ایمان نداشته و ندارند.

اما إذا كان السائل يقصد الدراسة الأكاديمية وهي حصول الإمام أحمد (عليه السلام) على بكالوريوس الهندسة المدنية فهذا كذلك ليس فيه مثلية حتى يتساءل عنه أحد فهو (عليه السلام) إنسان حاله حال الناس ويعيش في مجتمع له تنظيمه وترتيبه وتعلمه للعلوم الدنيوية في الجامعة لا يؤثر في أن يكون مرسلًا للناس من الإمام المهدي (عليه السلام) فأنبياء الله ورسله (عليه السلام) الكثير منهم لما كانت المهنة الشائعة في أقوامهم الرعي فقد تعلموه من قومهم ومارسوه، وعيسى (عليه السلام) تعلم النجارة من يوسف النجار، ورسول الله (صلى الله عليه وآله) تعلم التجارة من الخروج مع تجار مكة للتعلم، فليس في العمل هذا مثلية أو منقصة، كما أنه يكون نافعا في القيادة على الأرض، قال تعالى: (وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا) [الفرقان: 7]

اما اگر منظور پرسش کننده آموزش آکادمیک است که همان دست یافتن امام احمد(ع) به لیسانس شهرسازی می‌باشد، عیبی برای ایشان محسوب نمی‌شود تا در این خصوص از او سؤال شود. ایشان(ع) انسانی همانند بقیه‌ی مردمان است و در جامعه‌ای زندگی می‌کند که نظم و ترتیبی دارد، و آموزش دیدن علوم دنیوی در دانشگاه توسط ایشان، در فرستاده بودن ایشان از سوی امام مهدی(ع) به سوی مردم، تأثیری ندارد. بیشتر پیامبران و فرستادگان خداوند(ع) از آنجا که حرفه‌ی رایج در اقوامشان، چوپانی بود، آن را از قومشان آموزش می‌دیدند و انجامش می‌دادند. عیسی(ع) نجاری را از یوسف نجار آموخت و پیامبر خدا(ص) تجارت را با بیرون رفتن به همراه تاجران

مکه آموخت. چنین عملکردی، کمبود یا عیبی محسوب نمی‌شود، همان‌طور که در رهبری در زمین نیز سودمند می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید: (گفتند: این چگونه فرستاده‌ای است؟ غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته‌ای بر او فرود نمی‌آید تا همراه با او بیم‌دهنده باشد؟) [الفرقان: 7].

فنبهم أخي وفقك الله سبحانه وسددك كي لا يكونوا كأولئك القائلين هذا القول السفیه الذي فضحهم الله سبحانه به وكشف سفاهة عقولهم وعقم حجتهم بمواجهة دليل الحق وحجته.

برادرم! خداوند سبحان توفیقت دهد و تسدیت نماید، آنان را تذکر بده تا مانند آن کسانی نباشند که چنین سخن احمقانه‌ای را بیان کردند که باعث شد، خداوند سبحان آنان را به واسطه‌اش رسوا کند و از سفاخت عقل‌هایشان پرده بردارد، و با دلیل حق و استدلال و حجتش، دلیل‌شان را عقیم گرداند.

ومسألة اللقاء بالإمام المهدي (عليه السلام) لا يوجد شيعة يقول ما يقولون لأن قصص اللقاء بالإمام المهدي (عليه السلام) لأناس كثيرين فاقت حد التواتر، ولعل أشهرها قصة لقاءات السيد مهدي بحر العلوم مع الإمام (عليه السلام) وكذلك قصة لقاء السيد حيدر الحلي بالإمام (عليه السلام) وإنشاده إياه لقصيدته المشهورة (مات التصبر بانتظارك أيها المحيي الشريعة) وهناك كتب ألفت في هذا المجال ذكرت قصص اللقاء بالإمام المهدي (عليه السلام).

در مورد دیدار با امام مهدی (ع) نیز هیچ شیعه‌ای وجود ندارد که این سخن آنها را بر زبان براند؛ چرا که داستان‌های دیدار امام مهدی (ع) با مردم بسیاری، به حد تواتر رسیده است. شاید مشهورترین آنها دیدارهای سید مهدی بحر العلوم با امام (ع) و همچنین داستان دیدار سید حیدر حلی با امام (ع) و سرودن قصیده‌ی مشهورش برای

ایشان باشد. «ای احیا کننده‌ی شریعت! صبر در انتظار تو مُرد». کتاب‌هایی وجود دارد که در این زمینه تألیف شده و داستان‌های دیدار با امام مهدی (ع) را ذکر نموده‌اند.

أما طلب المعجزة فهو طلب يدل على أن من يطلبه إما جاهل بدليل الحق رغم وضوحه وبيانه، أو أنه إنما يطلب ذلك ليبرر لنفسه عدم الإيمان بالدليل وتصديقه

اما درخواست معجزه، درخواستی است که بر این دلالت دارد که کسی که آن را درخواست می‌کند یا با اینکه دلیل حق، روشن و واضح است، به آن جاهل است یا صرفاً چنین چیزی را درخواست می‌کند تا ایمان نیاوردن به دلیل و تصدیقش را توجیه کند.

ومن يقرأ القرآن فسيري أن من يطلب المعجزة لا يؤمن بها فهام قوم فرعون طلبوا المعجزة ولكنهم لم يؤمنوا وإنما آمن بها من لم يطلبها وهم السحرة، وها هم قوم صالح لما طلبوا المعجزة كفروا بها عند وقوعها، وكذلك قوم رسول الله (صلى الله عليه وآله) عندما رأوا المعجزات ازداد كفرهم بمحمد (صلى الله عليه وآله) واتهموه بالسحر

کسی که قرآن را بخواند، می‌بیند کسانی درخواست معجزه می‌کنند که به آن ایمان نمی‌آورند. قوم فرعون که درخواست معجزه کردند، ولی به آن ایمان نیاوردند و فقط کسانی به آن ایمان آوردند که آن را درخواست نکرده بودند؛ یعنی همان جادوگران. قوم صالح که درخواست معجزه می‌کنند، ولی وقتی اتفاق می‌افتد، به آن کفر می‌ورزند. همچنین قوم رسول الله (ص) وقتی معجزات را دیدند، کفرشان به محمد (ص) بیشتر شد و ایشان را به جادوگری متهم کردند.

ومن يريد معجزة فلينتظر معجزة القائم (عليه السلام) وهي الدخان وهي آية عذاب نستجير بالله منها ونسأله أن يحفظ جميع أنصار الإمام المهدي (عليه السلام) في مشارق الأرض ومغاربها من هذا العذاب الإلهي العظيم.

کسی که معجزه می خواهد، منتظر معجزه ی قائم (ع) که همان دود است باشد، که نشانه ی عذاب است؛ پناه بر خدا از آن. از خداوند می خواهیم که همه ی انصار امام مهدی (ع) را در سرتاسر جهان، از این عذاب بزرگ الهی در امان بدارد.

وكذلك هل كان السفراء يعملون معجزات ليصدق الناس أنهم يلتقون بالإمام المهدي (عليه السلام)!!!
والحمد لله وحده وحده وحده.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)
الأستاذ زكي الأنصاري - رجب المرجب/1432 هـ ق

همچنین آیا سفرا معجزاتی آوردند تا مردم ایشان را تصدیق نمایند که با امام مهدی (ع) دیدار می کنند؟!؟!
والحمد لله وحده وحده وحده.

هیئت علمی انصار امام مهدی (خداوند در زمین تمکینش دهد)
استاد زکی انصاری - رجب المرجب/1432 هـ ق

